

تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان

محمدرضا حافظ نیا

استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش: ۸۲/۵/۸۸

دریافت: ۸۲/۸/۲۵

چکیده

مرزهای بین‌المللی، عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی - فضایی می‌باشند که مستقل از دیگر واحدهای مجاور خود هستند. کارکرد اصلی مرزها در تعاملات بین کشورهای پیرامون آن آشکار می‌شود و در بستر زمان تحول پیدا می‌کند.

مرز مشترک ایران و افغانستان از جمله مرزهای جدیدی است که در فرایند کشورسازی دو قرن اخیر در داخل فلات ایران شکل گرفته و تثبیت شده است. عبور خط مرزی از مسیری که فاقد مرزهای ساختاری طبیعی و انسانی می‌باشد، کارکرد کنترلی و امنیتی آن را به چالش کشیده است. این مقاله ضمن بررسی وضعیت مرز مشترک ایران و افغانستان، کارکرد آن را طی دو دهه گذشته بررسی می‌کند و تأثیری را که بر مناسبات دو کشور گذاشته است، مطالعه و تجزیه و تحلیل می‌کند. در پایان این نتیجه به دست می‌آید که مرز مزبور در مقام انجام وظایف کنترلی خود توفیق لازم را به دلیل اقدامات یک طرفه و مشکلات ساختاری به دست نیاورده است. شایان ذکر است که رفتار افغانها نسبت به مرز از نوع کنشی و بحران‌زا است و رفتار ایرانیها نسبت به آن از نوع واکنشی و تقابلی با بحران می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مرز، کارکرد مرز، افغانستان، ایران، بحران، ژئوپلیتیک.

۱- مقدمه

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کنند [۱، ص ۵۴]. مرز، عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است [۲، ص ۱۹۰]. نقش مرزها متناسب با زمان تغییر می‌کند. این نقشها می‌توانند به شکل اقتصادی، نظامی - دفاعی باشند و یا به صورت تفکیک قلمرو حاکمیت دو



کشور، محل تعامل سیستم دولت، جداسازی جوامع پیرامونی (که هویت اکولوژیک و یکپارچه دارند)، کنترل تعاملات اجتماعی و مهاجرتها محسوب شوند [۳، صص ۸۰-۸۴]. هولدینج معتقد بود که جنگهای عمده جهان، بیشتر در مناطق مرزی مورد مناقشه رخ داده است. بنابراین، او همچون لرد کروزن بر نقش نظامی تأکید داشت [۱، ص ۶۸]. به طور کلی کارکردهای اصلی مرزها را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

تفاوت‌نمایی بین دو فضای جغرافیایی؛ - تفکیک دو حاکمیت مستقل، یکپارچه‌سازی یک ملت، - نزاع و امنیت بین دو کشور و بالاخره برقراری ارتباط و تعامل بین دو ملت [۲، ص ۱۹۱]. در دولت جدید افغانستان که سرحدات گذشته جای خود را به خطوط مرزی داده‌اند، برجسته‌ترین کارکرد مرز را ایجاد امکان کنترل بر تعاملات بین دو کشور و ملت به منظور تأمین امنیت و حفاظت از منافع ملی آنها تشکیل می‌دهد.

باید گفت که خطوط مرزی بر رفتار انسانها و دولتهای پیرامون خود تأثیر می‌گذارند. به عبارتی وضعیت مرز نوع رفتار انسانها و دولتها را نسبت به خود تعیین می‌کند. دولتها و انسانها نیز در مقابل بر رفتار و کارکرد مرز تأثیر می‌گذارند و وضعیت آن را به لحاظ ساختاری و کارکردی متحول می‌کنند. همچنین دولتهای دو طرف مرز نیز تحت تأثیر آن، نسبت به یکدیگر رفتار خاصی از خود بروز می‌دهند و نوع رفتار آنها متقابلاً بر وضعیت و کارکرد مرز تأثیر می‌گذارد [۴، صص ۶۴-۸۰].

۲- سابقه تاریخی وضعیت مرز ایران و افغانستان

ایران و افغانستان در چشم‌انداز تاریخی خود به دلیل قرار داشتن در گهواره طبیعی واحد، یعنی فلات ایران، اجزای تفکیک‌ناپذیری بودند و از این رو از تجانس نسبی بالایی برخوردار بوده، بیش از هر ملتی به یکدیگر نزدیک هستند. اندیشه تفکیک آن دو به اواسط قرن هجدهم م. بر می‌گردد. نادر، پادشاه ایران، در سال ۱۷۴۷ م. کشته شد و احمدشاه درانی که از سرداران برجسته او بود در شهر قندهار، مرکز قوم پشتون، رسماً دولت مستقلی را تشکیل داد [۵، ص ۲۵۲]؛ ولی استقلال رسمی افغانستان از ایران به دنبال معاهده پاریس به سال ۱۸۵۷ م. برمی‌گردد [۶، ص ۱۲۴]. پس از آن افغانستان تحت سلطه انگلستان قرار گرفت و استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ م. به‌وسیله امان‌الله از انگلیس اعلام شد [۷، ص ۱۶۰]. به دنبال استقلال افغانستان از ایران، مسأله تعیین خط مرز در روابط دو کشور نیز مطرح شد.

خط مرز ایران و افغانستان نتیجه سه حکمیت به شرح زیر است:

- ۱- مسیر بین دهانه ذوالفقار (مرز مشترک ایران، افغانستان و ترکمنستان کنونی) تا دشت هشتادان که شامل خط القعر رودخانه هریرود نیز می‌شود. این مسیر در سال ۱۸۹۱م. با حکمیت ژنرال مک لین (که سر - کنسول بریتانیا در مشهد بود) تعیین حدود شد [۸، صص ۳۱۳-۳۲۰].
- ۲- مسیر موسی‌آباد (علامت شماره ۳۹) ^۱ تا سیاه کوه (علامت شماره ۹۵): این مرز در ادامه مسیر حکمیت مک لین با حکمیت ژنرال آلتای از ترکیه در سال ۱۹۳۵ م. تعیین حدود شد [۹، ص ۱۲۰].
- ۳- مسیر سیاه‌کوه تا کوه ملک‌سیاه (یا منطقه سیستان): این مسیر دو مرتبه و به وسیله دو حکمیت تعیین حدود شد. بار اول در سال ۱۸۷۲م با حکمیت گلد اسمیت صورت گرفت. در مرحله اول سیستان به دو بخش ایرانی و افغانی تقسیم شد و شاخه اصلی هیرمند به عنوان مرز دو کشور تعیین شد، بار دوم این مسیر به وسیله مک ماهون و در سال ۱۹۰۳ م. در اثر تغییر بستر هیرمند تعیین حدود شد. او در حقیقت مرز تعیین شده گلد اسمیت را تأیید و حدود ^۲ از آب هیرمند را به افغانستان و ^۱/_۳ آن را به ایران واگذار کرد [۱۰، ص ۳۵].
- براساس حکمیت‌های مزبور ایران و افغانستان تا سال ۱۹۳۶ م. تثبیت شد و تاکنون اختلافی بر سر خط مرز دو کشور بروز نکرده است ولی اختلافات بر سر تقسیم آب هیرمند همچنان باقی است [۱۱، ص ۴۲۳]. گاهی اوقات برای دسترسی به آب هیرمند اختلافاتی بروز می‌کند که منجر به مذاکرات دو جانبه می‌شود؛ به طوری که ۱۲ مورد بحران دیپلماتیک و ۲۷ مورد مذاکره دو جانبه برای حل و فصل آن سبب شده است [۱۲، ص ۱۳۸].
- علاوه بر این در دوره جدید استقرار حکومت در افغانستان (۱۳۸۰ ه.ش.) و در جریان دیدار سران دو کشور از پایتخت‌های یکدیگر مسأله آب هیرمند جزء موضوعات مورد مذاکره بود، به طوری که در بند ۱۲ یادداشت تفاهم سران دو کشور در تهران (خاتمی و کرزای در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۷) به اجرای معاهده سال ۱۳۵۱ ه.ش. برای تقسیم آب هیرمند تأکید شد [۱۳، ص ۴].
- همچنین بین ایران و افغانستان، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه اسلام قلعه وجود دارد که هنوز بدون حل باقی مانده است و مذاکرات سال ۱۹۷۵ م. نیز نتوانسته است آن را برطرف کند [۱۴، ص ۲۵۸].
- طول مرز کنونی ایران و افغانستان از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک سیاه در مجموع ۹۴۵ کیلومتر به شرح زیر است: هریرود ۱۷۵ کیلومتر، هیرمند و سیخ سر ۵۵ کیلومتر، دریاچه هامون ۲۴ کیلومتر و مرز خشکی ۷۰۹ کیلومتر [۱۵، ص ۲].

۱. شماره علامت میله مرزی است.

مرز ایران و افغانستان در بخش شمالی و مرکزی (قائنات) برخوردار از رشته کوهها و ارتفاعات است و در بخشهای مختلف آن نیز دشتهای خشک و وسیع نظیر: سیستان، نهبندان، پترگان، امرانی، هشتادان، تایباد و جام وجود دارد. از نظر کسانی نوار مرزی شمال سیستان تا تربیت جام از اهل سنت هستند و مردم طرفین خط مرز از حیث فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی با یکدیگر تعامل و پیوند دارند.

وضعیت طبیعی و انسانی مناطق مرز ایران و افغانستان مسأله کنترل آن را دشوار می‌کند. این مرز در بین مرزهای ایران در دو دهه گذشته، بیشترین ارتباطات و تعاملات غیرقانونی را داشته و ایران تاکنون آسیبهای زیادی از آن دیده است.

۳- عوامل مؤثر در کارکرد مرز و روابط دو دولت

کارکرد مرز و روابط ایران و افغانستان تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

- ۱- نظامهای سیاسی حاکم بر دو کشور و الگوی رابطه بین آنها؛
- ۲- الگوی روابط دولتهای دو کشور با دولتهای دیگر در مقیاس منطقه‌ای و جهانی؛
- ۳- وجود یا عدم وجود دولت فراگیر و پاسخگو در افغانستان؛
- ۴- محصور بودن افغانستان در خشکی و نیاز به موقعیت گذرگاهی ایران؛
- ۵- موقعیت گذرگاهی ایران در مسیر عبور مواد مخدر از افغانستان به اروپا؛
- ۶- ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، بویژه توسعه نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی در دو کشور؛
- ۷- ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز؛
- ۸- نیاز ایران به آب هیرمند؛
- ۹- اهل سنت در ایران و شیعیان و تاجیکی‌ها در افغانستان؛

۴- مرز و رفتارها

سال ۱۹۷۹ م. را باید نقطه عطف تحول در کارکرد مرز ایران و افغانستان دانست. تا قبل از آن به‌دلیل ایستایی و موازنه قوا در نظام ژئوپلیتیک جهانی و نیز استقرار دولت یکپارچه در دو کشور،

صرف نظر از برخی ناهنجاریهای متعارف در رفتار مرز، نوعی تعادل بر فضای مناطق مرزی حاکم بود. کودتای تره کی در سال ۱۹۷۸ م. که اشغال نظامی افغانستان به وسیله شوروی را به دنبال داشت و نیز وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تأثیر شگرفی را بر کارکرد مرز افغانستان با ایران به همراه داشت.

۴-۱- رفتار افغانه

حضور شوروی‌ها در افغانستان و حکومت‌های مارکسیستی این کشور را به کانون فشار نسبت به مرز مشترک تبدیل کرد. افغان‌های مسلمان به مقاومت پرداختند که پیامد آن شکل‌گیری آوارگی و مهاجرت گسترده بود. بنابراین، کشور ایران توجه آنها را به خود جلب توجه کرد و مرز مشترک که فاقد عناصر کنترل‌کننده لازم بود، به صورت یکجانبه آوارگان را به داخل خاک ایران در چندین موج تزیق کرد که به شکل‌های گوناگون در جامعه ایران مستقر شدند.

علاوه بر این حکومت نوپای اسلامی ایران براساس انگیزه دینی، ایدئولوژیک و سیاسی نسبت به حضور شوروی‌ها در افغانستان موضع‌گیری کرده و از حضور مهاجران افغانی به ایران استقبال کرد.

شکلهای غالب استقرار افغانه در ایران عبارتند از:

۱- جذب انفرادی و سلولی، یعنی اینکه آوارگان در مناطق و شهرهای مختلف ایران پراکنده شدند.

۲- جذب اردوگاهی، در قالب هفت اردوگاه که تحت نظر سازمان ملل قرار داشت.

۳- استقرار به صورت گروهی و آزاد در قالب کلنی‌ها در مناطق مرزی ایران نظیر تربت جام، تایباد، خواف، زیرکوه، در میان گزیک، نهبندان و سیستان. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۶ م. تعداد ۲۵ کلنی در محدوده‌های شهرستانهای تربت جام، تایباد و خواف استقرار داشتند [۱۶، ص ۳۳۶].

در مورد تعداد مهاجران آواره افغانی در ایران آمار دقیقی وجود ندارد، ولی طبق طرح شناسایی و آمارهای رسمی در حدود ۲ میلیون نفر افغان در ایران اقامت دارند. برابر اعلام کمیساریای عالی باید پناهندگان ملل متحد^۳ در قالب طرح بازگشت تا ماه آوریل ۲۰۰۳ م.



(فروردین ۱۳۸۲)، ۲۴۱۵۸۷ نفر به افغانستان بازگردند (اطلاعات، ۳: ۸۱/۶/۶). ضمناً طبق برآوردهای احتمالی مهاجران موجود در ایران، حدود ۲۰ درصد بیش از آمار مزبور هستند. ورود مهاجران آوازه به ایران از تمامی معابر وصولی صورت پذیرفته است. این معابر به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- معابر جاده‌ای و رسمی شامل: جاده زرنج به زابل و فراه به دروح، شیندنه به یزدان و هرات به تایباد (گمرک دوغارون).

۲- معابر غیر جاده‌ای و غیررسمی که به حدود ۱۵ مورد می‌رسد.

۳- علاوه بر اینها مسیرهای پنهانی نیز در مرز وجود دارد که قاچاقچیان از آن استفاده می‌کنند.

در ضمن بازگشت مهاجران داوطلب به افغانستان از دو نقطه مرزی رسمی بین دو کشور انجام می‌شود؛ یعنی تقاطع مرزی دوغارون بین تایباد به هرات در خراسان و نقطه میلک بین زرنج به زابل در سیستان که میلک براساس بند ۸ یادداشت تفاهم مورخ ۸۰/۱۲/۷ بین سران دو کشور به عنوان مرز رسمی شناخته شده است (متن سند). حضور آوارگان در ایران منجر به مسائل جدیدی به شرح زیر برای جامعه ایران شده است:

۱- تغییر چشم‌انداز نوار مرزی و شکل‌گیری اجتماعات غیر بومی در خاک ایران. به طوری که در سال ۱۳۶۶ ه.ش. بین ۳۰ - ۴۰ درصد جمعیت شهرستانهای تایباد و تربت جام را افغانه تشکیل می‌دادند [۱۶، ص ۳۳۵].

۲- تخریب مراتع و محیط زیست مناطق آسیب‌پذیر مرزی ناشی از نیازهای جدید و نیز تعلیف دامهای آنها؛

۳- مسائل جمعیتی جدید نظیر ازدواج با اتباع ایرانی و نیز تغییر نسبتهای جمعیتی در مناطق مرزی؛

۴- گسترش امراض مسری انسانی و دامی؛

۵- قاچاق کالا و پول ایرانی به داخل افغانستان؛

۶- قاچاق مواد مخدر و اسلحه به داخل ایران؛

۷- گسترش ناامنی در مناطق روستایی و شهری ایران بویژه استانهای مرزی خراسان و سیستان و بلوچستان؛

۸- توسعه ناهنجاریهای اجتماعی نظیر سرقت، قتل، جعل اسناد و غیره؛

۹- جاسوسی برخی افراد برای رژیم کابل بویژه در دهه ۱۳۹۰ - ۱۳۹۹م؛

- ۱۰- تأمین نیروهای کار مورد نیاز ایران در مشاغل پست و کارگری؛
- ۱۱- خرید و استملاک زمین در نواحی مرزی و تشکیل کتوهای قومی [۱۲، ص ۱۵۴].
- دومین نوع رفتار از داخل افغانستان نسبت به مرز مشترک دو کشور، قاچاق مواد مخدر بوده است.
- ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر مبدأ و مقصد مواد مخدر (افغانستان و اروپا) قرار گرفته است [۱۷].
- بر اساس گزارش برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل^۱ تولید تریاک افغانستان در سال ۱۹۹۹ م. برابر با ۴۶۰۰ تن بوده که دو برابر سال ۱۹۹۸ م. است و بخش عمده مناطق کشت نیز در قلمرو حاکمیت طالبان قرار داشته است [۱۸، ص ۳۵]. برابر گزارش سازمان ملل طی سالهای ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰ م. در مجموع ۵۰۲۴ مورد درگیری با قاچاقچیان رخ داده است که طی آن ۷۲۰ افسر ایرانی کشته شدند [۱۹]. این آمارها طی سالهای مزبور همواره سیر صعودی داشته است.
- تعداد معتادان ایرانی که در سال ۱۳۶۰ هـ.ش. حدود یک میلیون نفر بود، در سال ۱۳۷۹ هـ.ش. به ۲/۵ میلیون نفر رسید [۱۲، ص ۱۵۱].
- علاوه بر قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالاهای دیگر نظیر: سوخت و مواد خوراکی نیز انجام گرفته و در سالهای اخیر تا ۱۵ درصد رشد داشته است [۲۰، ص ۱۵۶].
- سومین نوع رفتار، توسعه ناامنی به داخل ایران است. این ناامنی بویژه در سالهای ۱۳۷۶ - ۱۳۷۹ که روابط ایران با طالبان تیره بود، با بمبگذاری، گروگانگیری و زورگیری همراه بوده است. می‌توان گفت این ناامنیها در اصل ماهیت سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. گروگانگیری که به وسیله افغانها از مناطق روستایی و شهری استانهای شرقی ایران انجام می‌شود، باعث نگرانی شدیدی شده بود؛ به طوری که یک اقدام ملی را به دنبال داشت. تعداد گروگانهای استان خراسان در سال ۱۳۷۶، ۳۹۰ نفر، در سال ۱۳۷۷، ۳۵۶ نفر، در سال ۱۳۷۸، ۲۵۸ نفر و در نیمه اول سال ۱۳۷۹ تعداد ۲۳۹ نفر بوده است (یعنی در مجموع ۱۲۴۳ نفر).
- رفتارهای سه گانه مزبور با منشأ افغانستان نبت به مرز نشان می‌دهد که الگوی رفتاری افغانه کنشی بوده و افغانستان به عنوان کانون فشار، آوارگان، مواد مخدر، ناامنی و غیره آن را از طریق مرز به داخل ایران تزریق کرده است.



۲-۴- رفتار ایران

ایران در آغاز براساس انگیزه‌های انسان دوستانه و اسلامی از نهضت مقاومت اسلامی افغانستان و ورود مهاجران افغانی به ایران استقبال کرد؛ ولی آثار و نتایج بعدی این موج بزرگ آوارگی سبب شد که ایران رفتار انبساطی خود را نسبت به مرز تغییر داده و رفتار انقباضی برای مرز در پیش بگیرد.

الگوی رفتاری ایران نسبت به مرز شرقی از نوع واکنشی بود تا به این وسیله برای کاهش آسیبهای درون کشوری، تقویت ساختاری مرز و امکان کنترل آن پدید آید. در این راستا رفتارهای زیر در قالب سیاست یا اقدام از سوی ایران در پیش گرفته شده است:

- ۱- تخلیه روستاهای واقع در فاصله ۵ کیلومتری مرز و در مورد برخی محورها تا فاصله ۲۰ کیلومتری آن؛
- ۲- احداث پاسگاهها و برجهای دیدبانی جدید؛
- ۳- تقویت و تجهیز پاسگاههای موجود؛
- ۴- احداث شبکه‌های راه مرزی برای تسهیل دسترسی و کنترل مرز؛
- ۵- احداث کانال و خاکریز بویژه در مسیر عبور کاروانهای مواد مخدر؛
- ۶- ایجاد سیم خاردار و موانع دیگر در محورهای آسیب‌پذیر؛
- ۷- سازماندهی جدید نیروهای مرزبانی؛
- ۸- اجرای طرحهای کنترل الکترونیکی مرز؛
- ۹- اجرای طرح مشارکت مرزنشینان و روستاییان در امنیت منطقه بویژه در سالهای اخیر؛
- ۱۰- ایجاد ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۸ هـ.ش؛
- ۱۱- اجرای طرح شناسایی افغانهای مهاجر در داخل کشور و تلاش برای بازگشت آنها از تاریخ ۸۱/۱/۲۰؛
- ۱۲- تشدید مجازاتها نسبت به قاچاقچیان انسان، کالا، مواد مخدر، اسلحه و غیره؛
- ۱۳- توسعه فعالیتهای دیپلماتیک به منظور جلب نظر و مساعدتهای سازمان ملل و سایر کشورها در امور مربوط به آوارگان، مواد مخدر و غیره؛
- ۱۴- امضای یادداشت تفاهم بین سران دو کشور (در تاریخ ۸۰/۱۲/۷) به منظور جایگزینی کشت خشخاش، مبارزه با تروریسم و ناامنی، تضمین حق آب رود هیرمند، عدم مداخله در امور یکدیگر، حفظ صلح و امنیت در منطقه، توسعه روابط اقتصادی، توسعه شبکه حمل و نقل جاده‌ای و ریلی (دوغارون - هرات، زرنج - دلارام و راه آهن سنگان - هرات).

سیاستها و اقدامات مزبور تا اندازه‌ای مؤثر بوده است ولی تعاملات غیررسمی در زمینه تردد انسانها، مواد مخدر، قاچاق کالا و غیره بویژه در مناطق کوهستانی مرز همچنان ادامه دارد. همچنین از منابع غیر - رسمی شنیده می‌شود که روسها پروژه کنترل مرز از جانب ایران را پیشنهاد داده‌اند و آمریکاییها قصد دارند تا طرح کنترل مرز از جانب افغانستان را اجرا کنند. بنابراین اگر چنین باشد، کنترل مرز ایران و افغانستان تحت تأثیر رقابت سطح جهانی قرار خواهد گرفت.

۵- نتیجه‌گیری

- ۱- از سال ۱۹۷۹ م. با اشغال نظامی افغانستان به وسیله شوروی و نیز دگرگونی نظام سیاسی در ایران، کارکرد مرز ایران و افغانستان دچار تحول شد و افغانستان به صورت کانون تولید بحران و فشار نسبت به مرز مشترک درآمد.
- ۲- رفتار افغانیها نسبت به مرز (در ابعاد مهاجرت آوارگان)، مواد مخدر و ناامنی از نوع کنشی و رفتار ایرانیها به منظور کاهی آثار بحرانهای مزبور و مهار مرز از نوع واکنشی بوده است.
- ۳- فروپاشی حکومت افغانستان در سال ۱۹۹۲ م. در پی فروپاشی شوروی، بروز گسیختگی حاکمیت در افغانستان و فقدان حکومت پاسخگو در افغانستان روند بحران مرزی را تشدید کرد.
- ۴- حضور حاکمیت طالبان در بخش عمده افغانستان، بویژه نوار مرزی مشترک، کارکرد نظامی - دفاعی مرز را برجسته ساخت و با استقرار نیروهای نظامی خطر جنگ را در سال ۱۳۷۸ ه.ش. تشدید کرد.
- ۵- مرز ایران و افغانستان بحرانی‌ترین مرز کشور بوده و هزینه‌ها و آسیبهای فراوانی به ایران وارد کرده است که ۲/۵ میلیون آواره و ۲/۵ میلیون معتاد یکی از ابعاد هزینه‌های آن است.
- ۶- مرز در انجام وظیفه کنترلی خود به دلیل اقدامات یکطرف و نیز مشکلات ساختاری توفیق لازم را به دست نیاورده است.
- ۷- در صورت ناپایداری نهاد حکومت ملی مسئول در افغانستان و نیز تداوم تولید مواد مخدر و همچنین توسعه نیافتگی و تداوم فقر عمومی در مناطق مرزی شرق ایران و غرب افغانستان، کارکرد منفی مرز همچنان ادامه خواهد داشت.

۶- منابع

[1] Dikshit, R; Political geography; New Delhi: Tata Mc Grow - Hill, 1995.



- [۲] حافظنیا، محمد رضا؛ مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی؛
- [3] Glassner, M. Political geography; New York: John Wiley & sons, 1993.
- [۴] پرسکات، جی؛ گرایشهای تازه در جغرافیای سیاسی؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- [۵] گروهی از پژوهشگران افغانستان؛ ترجمه اعلم و ارباب شیرانی؛ تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۶.
- [۶] علی‌آبادی، علیرضا؛ افغانستان؛ مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، (سند یادداشت تفاهم).
- [۷] مرکز تحقیقات افغانستان؛ مجموعه مقالات پیرامونی افغانستان؛ تهران: نمایندگی مقام رهبری در امور افغانستان، ۱۳۷۰.
- [8] Mojtahedzadeh, P; The amirs of the borderlands, London: rosevic Foundation, 1995.
- [9] Mc Lachlan, K. & Mojtahedzadeh, P; The boundaries of modern Iran; London: SOAS, 1994.
- [۱۰] مجتهدزاده، پیروز؛ «مرزهای شرقی ایران»، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۱، ۱۳۷۷.
- [۱۱] ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
- [۱۲] کریمی‌پور، یداله؛ ایران و همسایگان؛ تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹.
- [۱۳] سند یادداشت تفاهم سران ایران و افغانستان، ۱۳۸۰/۱۲/۷.
- [۱۴] فولر، گراهام؛ قبله عالم - ژئوپلیتیک ایران؛ ترجمه عباس مخبر؛ نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- [۱۵] جعفری، عباس؛ شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران؛ تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۷۴.
- [۱۶] حافظنیا، محمد رضا؛ جغرافیای نظامی خراسان؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۶.
- [17] www.odccp.org/iran/country
- [۱۸] لوموند دیپلماتیک، ۲ نوامبر ۱۹۹۹.
- [19] www.Undep.org/report-2000
- [۲۰] حق‌پناه، جعفر؛ «قاچاق مواد مخدر و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی؛ ش ۲، روزنامه اطلاعات، ش ۲۲۵۶۷، ۶ شهریور ۱۳۸۱ (۲۸ اگوست ۲۰۰۲)، ۱۳۷۷.